

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«كَانَ رَجُلٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ وَارَادَ الْأَنْصَرَفَ إِلَى أَهْلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي، فَقَالَ: أَوْصِيكَ إِلَّا تُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تَعْصِ وَالِدَيْكَ، وَلَا تَسُبَّ النَّاسَ».

در سال‌های گذشته مباحثی را در سلسله درس‌های خارج فقه مطرح می‌کردم که آن‌ها را با عنوان کلی‌تر «فقه هنر» دسته‌بندی کرده‌ام که مباحث غنا، مجسمه‌سازی، نقاشی و حفظ آثار تاریخی و برخی از احکام فیلم، شعر، رقص و اختلاط زن و مرد و تشبیه ایشان به یکدیگر را در بر می‌گرفت. در این مباحث البته «مدح من لا يستحق المدح» و «ذم من لا يستحق الذم» را هم به‌طور مفصل بحث کردیم. ناگفته پیداست

۱. مستدرک الوسائل، نوری (۱۴۰۷)، ج ۹، ص ۱۳۹؛ و نیز رک: مستدرک الوسائل، نوری (۱۴۰۷)، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

ترجمه‌ی روایت: مردی از اهالی یمن در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بود و چون می‌خواست به سوی اهل خود باز گردد، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا توصیه‌ای بفرما؛ پس، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به تو سفارش می‌کنم که هیچ چیز را شریک خداوند قرار ندهی، و نسبت به والدینت عصیان نکنی، و مردم را دشنام نگوئی.

که در بحث هنر، مسئله‌ی طنز نیز مطرح است که پیوندی با بحث استهزاء دارد، به همین جهت به بررسی فقهی حکم استهزاء نیز مبادرت کردم. و از همین جا بود که بحث سبّ و دشنام نیز مورد توجه قرار گرفت چرا که در مواردی این رذیله‌ی اخلاقی می‌تواند دیوار به دیوار بحث استهزاء باشد.

و آنچه اکنون در دست شما است متن درس‌های مرتبط با موضوع دشنام است و امیدوارم که مباحث دیگر «فقه هنر» - که تدریس آن‌ها پایان یافته و صوت آن‌ها در دست‌رس دوستان است، - نیز در آینده تنظیم شود و به صورت مکتوب تقدیم اهل فن قرار گیرد.

هم‌چنین نکته‌ای که باید در این مقدمه مورد توجه قرار گیرد، آن است که در مباحث فقهی، بحث «بهتان به اهل بدعت» پیوند خاص با «دشنام به ایشان» دارد؛ چرا که روایتی از داود بن سرحان - که البته خواهیم گفت دچار کژفهمی شده است، - به مستندی برای حکم جواز در هر دو مورد تبدیل شده است. همین مسئله باعث شد تا به بحث «بهتان به اهل بدعت» هم ورود پیدا کنیم و موضوع را در ضمن مباحث سبّ و دشنام بررسی نماییم.

در مجموع، مکتوب پیش روی شما، تنظیم شده‌ی مباحثی است که در طول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در حوزه‌ی علمیه‌ی قم ارائه شده‌است. پایه‌ی بحث‌های فقه اینجانب همانند اکثر بزرگان معاصر براساس مباحث کتاب مکاسب محرمة شیخ انصاری است که البته من با اندکی تغییر و انتخاب موضوعات متناسب با یکدیگر، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و مورد بحث قرار داده‌ام.

مباحث در ضمن ۳۶ جلسه‌ی درسی ارائه شد و پس از آن، متن پیاده شده‌ی نوارهای جلسات، به متن دست‌نوشته‌های من که پایه‌ی بحث را تشکیل می‌داد توسط برادر گرامی جناب حجة الاسلام و المسلمین حسین علیخانی اضافه گردید و سپس تقریر، تحقیق و تدقیق در این کار به عهده‌ی برادرم جناب حجة الاسلام و المسلمین

رشید داودی قرار گرفت؛ تبادل نوشته‌ها بین من و ایشان ان‌شاءالله بر غنای کار افزوده باشد. چنان‌که بی‌شک، همراهی و مصاحبت برادرانم حضرات آیات مسیح بروجردی و علی راستی کاشانی و دانش و تیزبینی ایشان در ضمن مباحثه‌هایی که پیرامون موضوع این نوشتار داشته‌ایم بر ارزش این مجموعه می‌افزاید.

در پایان ضمن تشکر از ایشان، از خدای متعال عاجزانه مسئلت دارم زندگی ما را به صداقت و خوش‌زبانی مزین دارد و زبان و گوش ما را از بهتان مصون گرداند.

والحمد لله رب العالمین

اگرچه «دین» را مجموعه‌ای از عقاید اخلاقی و احکام سید حسن خمینی

قرائین و احکام علمی خدای سبحان تعریف نمودند که ۷/ مرداد/ ۱۴۰۰ روش تحقیق

اجتهادی، به استنباط آن‌ها از منابع مشخص است. مصادف با عید سعید غدیر ۱۴۴۲

تعالی آنرا نمی‌توان منحصر در فهم و تفهیم احکام علمی دانست؛ چه که حقیقت دین

و گوهر درخشان و هدایت‌گر آن، آموزای لازمه ساخت عقاید اخلاقی و احکام است.

بنابراین، تقابل دین به اصول و فروع، و ارائه احکام تعریف آن حقیقت والا و

تعالی بخش، و انحراف از مسیر کمال و سعادت است. چنان‌که گفته‌اند: «تفهیم به تفهیم

الأخبار» یا تفهیم کتاب و سنت یا توسعهی فهم و احکام دین به هر آنچه در عالم است، و

در چنین مفهوم ساختن تفهیم نیز تحریفی آشکار، زبان‌ساز و قطعاً ایستاده و بی‌سرانجام

خواهد بود.

و نیز بی‌اعتنایی به آموزه‌های کتاب و سنت و چنین مسیر سعادت از هدایت

انحصاری عقل و عرف، سرانجام به جمود و شیوگشتگی انسان منتهی شده و انسان را

از حرکت و پرویدن مسیر تعالی و کمال باز می‌دارد.

آری، دین و تفهیم در آن راه اگر از حصار و بند چنین قرائت‌های انوائی و تفریطی

رها نگردد، آنچه از حقیقت تعالی بخش دین در اختیار مردم قرار خواهد گرفت، نه تنها